



آیا شب‌زنده‌داری منوط به دعا و مناجات است | سخت‌ترین علم از منظر استاد اخلاق

اگر حال داشتی و با خدا خلوت کردی و دعا و مناجاتی هم خواندی، آن وقت پروردگار عزیز قلبت را که در غلاف رفته از غلاف بیرون می‌آورد و تازه آماده سیر الی الله می‌شوی! باید سحرها بیداری داشته باشید، نمی‌گوییم: نماز و دعا، فقط بیداری!

همشهری آنلاین: اگر حال داشتی و با خدا خلوت کردی و دعا و مناجاتی هم خواندی، آن وقت پروردگار عزیز قلبت را که در غلاف رفته از غلاف بیرون می‌آورد و تازه آماده سیر الی الله می‌شوی! باید سحرها بیداری داشته باشید، نمی‌گوییم: نماز و دعا، فقط بیداری!

به گزارش فارس، مرحوم آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس در یکی از درس‌های اخلاق خود به موضوع «کیفیت اتعاظ و شروع خودسازی» اشاره کرد که در ادامه می‌آید:

ناله و زاری شهید برای ترک یک نماز شب

حال اگر حال داشتی و با خدا خلوت کردی و دعا و مناجاتی هم خواندی، آن وقت پروردگار عزیز قلبت را که در غلاف رفته از غلاف بیرون می‌آورد و تازه آماده سیر الی الله می‌شوی! بدانید که غیرممکن است تا از این راه وارد نشوید، بتوانید سفر الی الله بکنید آقا جان! باید سحرها بیداری داشته باشید، نمی‌گوییم: نماز و دعا، فقط بیداری!

تمام اولیای ما تمام علمای اعلام و بزرگان و اکابر دین این طور عمل می‌کردند، یک شب شهید بنا به مصلحتی که خدا می‌داند، سحر خوابش برد تا شاید عجبی، عیبی یا مانعی برایش پیش نیاید، چقدر حسرت خورد و ناراحت شد، از یک شبش هم نباید گذشت، البته گاهی تأثر بعد از بیدار نشدن، بهتر از این است که بنده در وقت نماز شب بلند شود و عبادت کند.

آقای محدث قمی در کتابی که در شرح حال علما نوشته است، این شعر را از زبان شهید نقل کرده است:

ای پروردگار عزیز من! اولیای تو در بیداری شب، وقتی سحرها بلند می‌شوند و به در خانه تو ناله می‌کنند و نماز می‌خوانند، غرق لذت می‌شوند، چطور شد که من امشب خوابم برد؟ چطور شد که من محروم شدم؟!

ضرورت استاد و رفیق در مسیر سیر و سلوک

رفقای ما چند نوع هستند، گاهی کسی است که من از او استفاده می‌کنم، باید ملازم او باشم و از دستش ندهم، امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هر کس یک کلمه به من یاد دهد، من عید او هستم، آدم باید رفاقت با عالم‌تر و عامل‌تر از خود را از دست ندهند! پس یک نوع از رفیق، کسی است که به منزله غذا است و اگر نباشد، انسان می‌میرد.

اگر بفهمیم که رفیق خوب چقدر ارزش دارد، مسأله به خوبی برایمان روشن می‌شود که چرا در روایات به پیدا کردن دوست خوب این قدر سفارش شده است، در روایتی فرمود: «اطلبْ مَوْاخَاةَ الْأَتْقِيَاءِ وَ لَوْ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ»، حتی اگر در دل تاریکی‌های زمین بودی، دنبال رفیق متقی باش، ببینید چطور ترغیب می‌فرماید! نظیر همین مطلب درباره علم وارد شده که «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيِّئِ»؛ آن موقع چین را به عنوان دورترین نقاط عالم می‌شناختند، لذا فرمود که برای طلب علم به اقصی نقاط عالم سفر کنید، یا در جای دیگر فرمود: «خَوْضُ اللَّجَجِ»، ولو در دریاها فرو بروی، برو علم را طلب کن!

رفیق خوب، بسیار ارزشمند است و به درد سیر و سلوک من می‌خورد، پس اگر من بخواهم این راه را بروم، اول رفیق، بعداً طریق، البته یک استاد بیدار هم لازم است که قبلاً به آن اشاره کرده‌ام، چنین رفیقی مثل غذا است و وجودش برای انسان لازم است.

قدرت دوست‌یابی، خیرخواهی خداست

اینکه گفتیم دوست خوب لازم است، دلیل دارد، رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا... كَرِهَ مَجَالَسَةَ الْمَعْرُضِينَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»، وقتی خدا برای کسی خوب بخواهد، قوه‌ای به او می‌دهد که به قول صاحب کتاب «دوست‌یابی»، بفهمد دوست حقیقی کیست؟ پروردگار برای او یک ملاکی در اثر علاقه به سیر الی الله ایجاد می‌کند که اگر به یک شخصی برسد که برای رفاقت صلاحیت ندارد، نفرتی در قلبش حاصل می‌شود و از او اعراض می‌کند، خواهی نخواهی از او و همنشینی با او بدش

می‌آید، این قوه دوستیابی را چه کسی به او مرحمت کرده است؟ پروردگار.

بدون حکیم مرشد، هلاک خواهی شد

این هم که گفتیم یک استاد هم باید باشد، دلیلش این است که فرمود: کسی که یک دانشمند او را راهنمایی نکند، هلاک شده است.

سخت‌ترین فن، قانون معاشرت است

حضرت فرمود: حواریون به حضرت عیسی (ع) عرض کردند که با چه کسی همنشین باشیم؟ معلوم می‌شود که این مسأله ریشه عقلانی دارد و همه دنبال دوست خوب هستند، ایشان فرمودند: با کسی که چهره‌اش و نگاه به صورتش مذکر باشد و وقتی نگاهش می‌کنی، یاد خدا بیفتی، مثلاً کسی که می‌خواهد صحبت کند، اول فکر می‌کند بعد حرف می‌زند، دیدنش برای آدم یادآوری دارد، چون آدم عاقل حرف مزخرف نمی‌زند، سخن بد نمی‌گوید، مزاح و شوخی بیجا و این حرف‌ها را ندارد، خیلی متین و با ادب با روی خوش با افراد جامعه برخورد می‌کند.

قانون معاشرت بسیار مشکل است و هر کسی چنین کمالی را دارا نیست، یک مرتبه در قم مذاکره شد که چه علمی از همه علوم مشکل‌تر است، هر کس چیزی گفت، یکی گفت: ریاضیات، یکی گفت: فلسفه، یکی گفت: فقه و ... ولی برخی گفتند: نه آقا! علم معاشرت! یعنی علمی که انسان بداند چگونه باید با افراد جامعه برخورد کند، در روایت آمده هر کسی که در برابر پروردگار کرنش کند، پروردگار هم صلاحیت و توانایی برخورد با افراد جامعه را به او مرحمت می‌کند.

دوست خوب کسی است که چهره‌اش مذکر است و حرف زدنش به علم انسان اضافه می‌کند، اگر هیچ یک از اینها نبود، حداقل باید کارهایش شما را به سمت آخرت سوق دهد، عملش برای شما مرغب و تشویق کننده به آخرت باشد، مثلاً نمازهایش را اول وقت بخواند و شوق شما را به نماز اول وقت بیشتر کند، اگر این‌ها را دارد، دوست خوبی است.